

فصلنامه علمی سراج منیر، سال دهم، شماره ۳۷، زمستان ۱۳۹۸، صص ۳۱-۵۵

مقاله پژوهشی

دعا در قرآن و عهدین

عباس اشرفی*

دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۲۳)

چکیده

دعا، سؤال و درخواست بندگان از خداوند قادر برای رفع حاجت و نیاز مادی یا معنوی است. دعا شامل حاجاتی است که به پیشگاه خداوند ادا می‌شود و هدف از گفتن این حاجات، برآورده شدن و استجاب آن است. این مقاله با پرسش اصلی این که دعا در عهد قدیم، عهد جدید و قرآن چگونه توصیف می‌شود؟ با استفاده از روش تطبیقی جزئی به بررسی دعا پرداخته است. این مقاله نشان داده است که: دعا در عهد قدیم به منزله تنها نیایش زبانی مطرح، و بعد از زمانی طولانی، تافیل از دعا مشتق شد. دعا در عهد جدید، بیشترین جایگاه عبادی را در بین دیگر عبادات به خود اختصاص داده است. مهم‌ترین نکته در دعا، صمیمیت دعا کننده و دعای برخاسته از تمام دل و جان است. همچنین برای دعا مکان خاصی ذکر نشده، هرچند که بیشترین تأکید بر دعای در خلوت است؛ ولی منازل ایمان‌داران، کوه‌های اطراف شهر، کنیسه و کلیسا، محل‌های دعا محسوب می‌شوند. در قرآن، دعا یکی از مصادیق عبادت است؛ اهمیت دعا در قرآن به حدی است که، ارزش انسان با دعا تعیین شده است و اگر دعای انسان نباشد، شایسته توجه خداوند نیست. دعا در قرآن فطری انسان است. لذا هر نیاز فطری می‌تواند موضوع دعای انسان باشد.

واژگان کلیدی: دعا، براخا، قرآن، عهد قدیم، عهد جدید، عبادات.

* E_mail: ashrafi@atu.ac.ir

۱. مقدمه

خداوند، انسان را جز برای عبادت خلق نکرده و یگانه مأموریت همه موجودات، نیایش خالق متعال است؛ به این دلیل که خداوند شایسته عبادت است. نه از آن جهت که خداوند با عبادت تکامل می‌یابد؛ بلکه به این دلیل که انسان رو به تکامل رود. خداوند هدف خلقت را عبادت معرفی کرده و فرموده: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» و توجه به خود انسان را، منوط به توجه انسان به خدا کرده‌است؛ چنان که فرموده: «اذکرونی اذکرکم...». واژه‌های براخا (براخوت) و دعا واژه‌های معادل هم در فرهنگ دو کتاب مقدس هستند.

براخوت^۱ ارائه، تقاضا، اعتراف، نیایش یا شکرگزاری به خداوند است و با الفاظ مختلفی مثل آمیدا و تافیل شناخته می‌شود (شمس و ادیم، ۷۵). واژه تافیل متناظر با کلامه هیت پل^۲ در کتاب اول پادشاهان به معنای تفکر، التماس کردن، قضاوت و شفاعت کردن است (the Oxford Dictionary of world Religions, P 959).

دعا که اصل آن دعا بوده و به دلیل قرار گرفتن واو پس از الف، بر اساس قواعد اعلال، تبدیل به همزه شده است، به معنای خواندن، درخواست انجام کار دادن و حاجت‌خواستن است (ر.ک؛ الجوهری، بی تا، ج ۶: ۲۳۳۷؛ ابن فارس، ج ۲؛ ابن منظور، ج ۴، ۳۵۹؛ راغب اصفهانی ذیل دعوی؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۳۴۴).

دعا در اصطلاح شرعی به معنای روی آوردن به خداوند و درخواست از او با حالت خضوع است (دانشنامه امام علی (ع)، ج ۴، صص ۳۱۸ و ۳۱۹). دعای و دعوت عبارت است از اینکه صاحب دعای نظر طرف را به خودش متوجه کند و بعد از متوجه کردن او فائده و بهره‌ای از او درخواست نماید (ر.ک؛ طباطبائی، ج ۲: ۴۰، ذیل آیه ۱۸۶ بقره). دعا گفته‌گو کردن و تکلم نمودن با حضرت اقدس الهی است که حضرتش را محض برکات و مراحم

شکر نموده مایحتاج خود مان را از جنابش درخواست می‌کنیم (ر.ک؛ هاکس، ۱۳۷۷: ۳۸۲).

پرسش اصلی این تحقیق این است که دعا در عهد قدیم، عهد جدید و قرآن چگونه توصیف می‌شود؟ برای تحقق این پرسش از روش تطبیقی جزئی استفاده شده چرا که مفهوم دعا در هر سه کتاب در محدوده مشترکی است به حدی که حدودا به تعریف واحد می‌رسیم. اما روش تدوین این گونه است که در ابتدا عهد قدیم، عهد جدید و قرآن را با دقت مطالعه می‌کنیم و آیات موضوع دعا را ضمن رعایت پیوستگی عبارات متن، از آن استخراج و به موضوع‌های زیرمجموعه دعا تقسیم می‌کنیم. آنگاه در موضوعات زیرمجموعه نیز بنا به اهمیت موضوع، تقسیم‌بندی انجام می‌دهیم و پس از جمع‌بندی آیات و تحلیل آن‌ها، نتیجه را با نوشتاری تدوین می‌کنیم. آنگاه بین سه قسمت مقایسه صورت می‌پذیرد.

تنها پیشینه این موضوع، مقاله‌ای است با عنوان دعا در قرآن و عهد عتیق در فصلنامه مطالعات تقریبی، ش ۴۳ که توسط محمد جواد شمس و حمدالله ادیم نگاشته شده. این مقاله با کیفیت و پرمحتوا به دعا در اسلام و یهودیت پرداخته و لی مقاله حاضر به جایگاه دعا در این سه کتاب و صرفا با استناد به آیات می‌پردازد.

۲. دعا در عهد قدیم

دعا، شامل حاجاتی است که به پیشگاه خداوند برای استیجاب ادا می‌شود و هدف از گفتن این حاجات، برآورده شدن و استیجاب آن است. دعا به نزد غیر خدا، مجاز نیست. قوم یهود قومی است که دعا می‌کند و کتاب مقدس مملو از دعا‌های او است و کتابی نیز کلاً به دعا اختصاص داده شده است که همان مزامیر است. به غیر از دعا‌های مزامیر ۵۲ مورد دعا در عهد قدیم مذکور است (ر.ک؛ هاکس ۱۳۷۷ صص ۳۸۳-۳۸۸).

۲-۱. شروط دعا و استجاب

هدف از دعا، استجاب آن است و برای برآورده شدن دعا، رعایت شروطی که اجابت‌کننده آن قرار داده است، الزامیست. برخی از شروط دعا و استجاب آن عبارت است از:

الف. دعا با حالت فروتنی و در خانه خدا یا قربانگاه انجام پذیرد.

سه آیه (اول پادشاهان، ۸: ۵۴ و ۵۵؛ دوم تواریخ، ۶: ۱۹ تا ۲۱ و نیز دوم تواریخ، ۸: ۱۴ تا ۱۶) بر همین مطلب دلالت دارد. برای نمونه در آیه اول پادشاهان، ۸: ۵۴ و ۵۵ آمده است: «سلیمان همان‌طور که زانو زده و دست‌های خود را به سوی آسمان بلند کرده بود، دعای خود را به پایان رسانید. بعد از برابر قربانگاه خداوند برخاست و با صدای بلند برای تمام بنی اسرائیل برکت طلبید».

ب. دعا همراه با تضرع و زاری و ناله باشد.

در کتاب دوم پادشاهان ۱۹: ۱ و ۲ آمده: «وقتی حزقیای پادشاه این خبر را شنید، لباس خود را پاره کرد، پلاس پوشید و به خانه خداوند رفت تا دعا کند. پس به الیاقیم، شنا و کاهنان ریش سفید گفت که پلاس پوشید و نزد اشعیا نبی (پسر آموس) بروند.

ج. دعا با تمام وجود و از اعماق قلب باشد.

در کتاب اول پادشاهان: ۵۹ - ۶۱ آمده: «خداوند، خدای ما تمام کلمات این دعا را شب و روز در نظر داشته باشد و بر حسب نیاز روزانه، مرا و قوم بنی اسرائیل را یاری دهد تا همه قوم‌های جهان بدانند که فقط خداوند، خداست و غیر از او خدای دیگری وجود ندارد. ای قوم من، با تمام دل از خداوند، خدایمان پیروی کنید و مانند امروز از احکام و دستورات او اطاعت نمایید». همچنین مزامیر (۹۱: ۱۴ - ۱۵) گویای همین مضمون است.

د. دعای در خفا، بهتر است.

در کتاب اشعیاء (۲۶: ۱۶) آمده: «خداوندا، تو قومت را تنبیه کردی و ایشان هزنگام سختی، در خفا به درگاه تو دعا کردند».

ه. اصرار در دعا. دعاکننده باید مصّر باشد تا جواب بگیرد.

در مزامیر (۷۸: ۱ - ۲) آمده: «با صدایی بلند به سوی خدا فریاد بر می آورم تا صدای مرا بشنود. در موقع زحمت از خدا کمک می طلبم. تمام شب به سوی او دست نیاز دراز می کنم تا دعایم را استجابت نکند، آرام نخواهم گرفت».

و. دعا بی ریا باشد.

در مزامیر (۱۷: ۱) آمده: «ای خداوند، فریاد عدالت خواهانه مرا بشنو و به دعای من که از دل بی ریا برمی آید، توجه نما».

ز. دعاکننده باید پاک باشد.

در کتاب ایوب (۸: ۵-۶) آمده: «ولی اکنون تو به درگاه خدای قادر مطلق دعا کن. اگر آدم پاک و خوبی باشی، او دعایت را می شنود و تو را اجابت می کند و خانه تو را برکت می دهد».

ح. عبادت صحیح، پیش نیاز دعا است.

در کتاب ملاکی (۲: ۷-۹) آمده: «قربانی های نا پاک روی قربانگاه من می گذارید. بلی، با این کارتان مرا تحقیر می کنید. حیوانات لنگ و کور و بیهار را برای من قربانی می کنید. آیا این قبیح نیست؟ دعا می کنید و می گوید: خداوندا، بر ما رحم کن، خداوندا، لطف تو شامل حال ما بشود؛ ولی وقتی که چنین هدایایی می آورید، چگونه انتظار دارید دعای شما را اجابت کنم؟»

۲-۲. انگیزه‌های دعا

عللی برای دعا در برخی از آیات ذکر شده که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف. دعا برای توفیق عبادت. در سه آیه در مزامیر با این مضمون مواجهیم. برای نمونه: «ای خداوند، بیا و مرا برهان، به رحمت خود مرا نجات ده؛ زیرا اگر بمیرم، نخواهم توانست تو را به یاد آورم و ستایشت کنم» (مزامیر، ۶: ۴-۵).

ب. دعا برای رفع بلا و مصیبت. در اول تواریخ (۴: ۱۰) آمده: اما یعیص نزد خدای اسرائیل این طور دعا کرد: ای خدا، مرا برکت ده و سرزمین مرا وسیع گردان. با من باش و مرا از مصیبت‌ها دور نگه دار تا رنج نکشم و خدا دعای او را اجابت فرمود.

ج. دعا برای نجات قوم. در مزامیر (۱۴: ۷) آمده: «قوم اسرائیل چقدر شاد خواهند شد وقتی خداوند آن‌ها را رستگار بسازد. ای خداوند، بیا و قوم خود را نجات بده»

د. دعا برای استعجاب دعا. در این خصوص آیات فراوان می‌باشد که تنها دو مورد را در ادامه می‌آوریم:

۱. «ای خداوند، هواره بر بنده‌ات و قومت نظر لطف بفر ما و دعاها و ناله‌هایش را بشنو» (اول پادشاهان، ۸: ۵۲).

۲. «ای خدای عادل من، وقتی نزد تو فریاد برمی‌آورم، مرا اجابت فرما. زمانی که در سختی و تنگنا بودم، تو به داد من رسیدی. پس اکنون نیز بر من رحم فرموده، دعایم را اجابت فرما» (مزامیر، ۴: ۱).

ه. دعا برای نصرت و فریادخواهی و نجات. در این موضوع نیز آیاتی وجود دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. «بعد چنین دعا کرد: ای خداوند، خدای اسرائیل که بر تخت خود که بر فراز فرشتگان قرار دارد، نشسته‌ای. تو تنها خدای تمام ممالک جهان هستی. تو آسمان و زمین را آفریده‌ای. ای خداوند، خدای ما التماس می‌کنیم ما را از چنگ پادشاه آشور نجات بده تا تمام ممالک جهان بدانند که تنها تو خدا هستی» (دوم پادشاهان، ۱۹: ۱۵ - ۱۹).

۲. «ای خداوند من، بر من نظر کن و دعای مرا اجابت فرما. نگذار زندگی‌ام خاموش شود. نگذار به خواب مرگ فرو روم و دشمن از شکست من شاد شده و بگوید: بر او پیروز شدم» (مزامیر، ۱۳: ۳ - ۴).

و. دعا برای پسندیده بودن نزد پادشاه و مردم. در دعای عزرا (۸: ۲۷ - ۲۷) آمده: «پس عزرا این طور دعا کرد: سپاس بر خداوند، خدای اجداد ما که این اشتیاق را در دل پادشاه گذاشت تا خانه خداوند را که در اورشلیم است، زینت دهد».

ز. دعا برای سلامتی و شفا. در اول پادشاهان آمده: «قوم با خوشحالی به شهرهای خود برگشتند و برای سلامتی پادشاه دعا کردند» (اول پادشاهان، ۸: ۶۶).

۲-۳. دعاهای شکر نعمت و ستایش

خداوند، شایسته ستایش است، از این روی که وجود او با عظمت و جلال توأم است. ستایش بیشتر معطوف به خود خداوند است تا بر کات و عطایای وی. ستایش معمولاً با سرود انتخاب شده است و این سرودها نیز همیشه تازه می‌شوند و سرایندگان، همیشه خدا را می‌سرایند، از این جهت که خداست.

در کتاب مقدس، سرودها و مزامیر خیلی نزدیک به هم هستند. به اندازه‌ای که ممکن است آن‌ها را با یکدیگر اشتباه بگیریم. ولی معمولاً نام مزامیر به آن‌هایی اطلاق می‌شود که در مجموعه خاصی جمع شده و در اجرای مراسم مذهبی خوانده می‌شوند؛ در صورتی که سرودها، آن‌هایی هستند که در روایت می‌آیند و مانند صدای فوران و لبریز

شدن احساسات شاعرانه هستند. مثلاً سرود دבורه که سرود پیروزی و جنگ است و در کتاب داوران آمده (داوران، ۵: ۱-۳)، یکی از قطعات کهن ادبی عبری است.

ستایش با سرود، نشانه شادی و سرور و اشتیاق انسان به حضور خداوند است. ستایش با سرود گاهی با آلات موسیقی و رقص نیز همراه است و این نشان از تحسین شاهانه دارد در آیات بسیاری به ستایش با سرود اشاره شده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. «آنگاه موسی و بنی اسرائیل در ستایش خداوند این سرود را خواندند: خداوند را می‌سراییم که شکوه‌مندانه پیروز شده است. او اسبها و سوارانشان را به دریا افکنده است. خداوند قوت و سرود نجات من است. او خدای من است، پس او را ستایش می‌کنم» (خروج، ۱۵: ۱).

۲. «آنگاه دבורه و باراق این سرود را به مناسبت پیروزی خود سراییدند: خداوند را ستایش کنید. رهبران اسرائیل شجاعانه به جنگ رفتند و قوم، با اشتیاق از آنها پیروی نمودند. ای پادشاهان و ای حکام گوش کنید، من در وصف خداوند خواهم سرایید» (داوران، ۵: ۱-۳).

۲-۴. علت ستایش

برخی از علل ستایش به قرار زیر است:

الف. ستایش برای عظمت و قدرت خداوند: در کتاب نحما (۹: ۵-۶) آمده: خداوند، خدای خود را که از ازل تا ابد باقی است، ستایش کنید. سپاس بر نام پر جلال تو که بالاتر از تمام تمجیدهای ماست. تو تنها خداوند هستی. آسمانها و ستارگان را تو آفریدی، زمین و دریا و موجودات آنها را تو به وجود آوردی.

ب. ستایش برای برکات: «روز چهارم در دره برکت جمع می‌شدند و خداوند را برای برکاتش ستایش کردند» (دوم تواریخ، ۲۰: ۲۶).

ج. ستایش برای محبت: «به خداوند، خدای خود ایمان داشته باشید تا پیروز شوید. سخنان انبیای او را باور کنید تا موفق شوید. خداوند را حمد و ستایش کنید؛ زیرا محبت او ابدی است» (دوم تواریخ، ۲۰: ۱۰ - ۲۱).

د. ستایش برای عدالت: «خداوند را به خاطر عدالتش می ستایم و در و صف او که متعال است، می سزایم» (مزامیر، ۷: ۱۷) و نیز در مزمور آمده: «آن‌ها در مورد مهر بانی بی حد تو سخن خواهند گفت و من عدالت تو را خواهم سرود» (مزامیر، ۱۴۵: ۷).

ه. ستایش برای نجات: در مزمور آمده: «ای جان من، خداوند را ستایش کن. آری تا زنده‌ام، خدا را ستایش خواهم کرد و بر رهبران انسانی تو کُل نکند. آن‌ها هم‌گی فانی هستند و قادر به نجات دادن نیستند» (مزامیر، ۱۴۶: ۱-۳).

و. ستایش برای رحمت: در مزامیر آمده: «در میان قوم‌ها تو را ستایش خواهم کرد؛ زیرا رحمت تو بی‌نهایت عظیم است» (مزامیر، ۵۷: ۱۰).

۳. دعا در عهد جدید

دعای مسیحی مثل دعای یهودی است ولی به طرز ویژه‌ای با پیام و زندگی عیسی مسیح مرتبط است (diccionario de las tres religiones p784). دعا در عهد جدید، بیشترین جایگاه عبادی را در بین دیگر عبادات به خود اختصاص داده است. عیسی مسیح ادعیه خاصی را که در زمان و مکان خاصی یا به طرف خاصی انجام پذیرد، به شاگردان خود نیاموخت؛ هرچند با شاگردان خود دعا کرد. در لوقا آمده که طرز دعا را نیز آموخت؛ (لوقا، ۱۱) ولی دعای خاصی که به منزله ذکر روزانه یا هفته‌گی باشد، در عهد جدید وجود ندارد. مهم‌ترین نکته در دعا، صمیمیت دعاکننده و دعای برخاسته از تمام دل و جان است. همچنین برای دعا مکان خاصی ذکر نشده، هرچند که بیشترین تأکید بر دعای در خلوت است؛ ولی منازل ایمان‌داران، کوه‌های اطراف شهر، کنیسه و کلیسا، محل‌های دعا محسوب می‌شوند.

۳-۱. حالت دعا

دعا در هر حالتی میسر است؛ ولی برخی حالات توصیه شده است که از قرار زیر است:

الف. دعا با تمام دل. «الیاس، انسانی بود همچون ما، با این حال، هنگامی که با تمام دل دعا کرد که باران نبارد، برای مدت سه سال و نیم باران نبارید و زمانی که دعا کرد تا باران بیاید، بارش باران آغاز شد و زمین محصول آورد» (یعقوب، ۵: ۱۷-۱۸).

ب. دعای پیوسته. در نامه پولس به تسالونیکیان ۱۷:۵ آمده: «پیوسته دعا کنید».

ج. پاکی در هنگام دعا. «بنابراین می‌خواهم که مردان در هر جا آزاد از گناه و خشم و تصرف، دست‌های پاک خود را بلند کرده و به درگاه خدا دعا کنند» (اول تیموتائوس، ۲: ۸).

د. دعا با کمک روح القدس. در نامه یهودا آمده: «اما شما ای عزیزان، زندگی خود را بر پایه ایمان بنا نمایید و با کمک روح القدس دعا کنید» (یهودا، ۲۰).

ه. دعا در خلوت. «عیسی به شاگردانش فرمود: اما تو هرگاه دعا می‌کنی، در تنهایی و خلوت دل پدر آسمانی را عبادت نما و او که کارهای نهان تو را می‌بیند، به تو پاداش خواهد داد» (متی، ۶: ۶).

و. دعا، قابل فهم باشد؛ چه از نظر لفظی و چه از نظر مفهومی. «در تعالیم عیسی به شاگردانش آمده که وقتی دعا می‌کنید، به مانند کسانی که خدای حقیقی را نمی‌شناختند، وردهای بی‌معنی تکرار نکنید. ایشان گمان می‌کنند که با تکرار زیاد، دعا‌های ایشان مستجاب می‌شود؛ اما شما این را به یاد داشته باشید که پدرتان قبل از اینکه از او چیزی بخواهید، کاملاً از نیازهای شما آگاه است» (متی، ۶: ۷-۸).

ز. باید خالصانه دعا کرد. «هرگاه دعا می‌کنی، مانند ریاکاران نباش که دوست دارند به عبادت‌گاه‌ها یا گوشه و کنار خیابان‌ها نماز بخوانند تا توجه مردم را به خود جلب کنند و خود را مؤمن نشان دهند. مطمئن باش اجری را که باید از خدا بگیرند، همین جا از مردم گرفته‌اند» (متی، ۶: ۵).

ح. فروتنی در دعا. دعا از آنجایی که از سر نیاز و حاجت و از فرودست به سوی بی‌نیاز و متعادل است، پس باید فروتنانه و همراه با اشک و آه و اندوه باشد تا به استجابت نزدیک شود. در نامه پولس به عبرانیان آمده: «با این حال، مسیح وقتی در این دنیا به سر می‌برد، با اشک و آه و اندوه عمیق به درگاه خدا دعا و التماس می‌کرد تا او را از قدرت مرگ نجات بخشد. خدا نیز دعای او را به سبب اطاعت کاملش مستجاب فرمود» (عبرانیان، ۵: ۷).

ط. اصرار و پافشاری در دعا. عیسی ضمن بیان داستان درخت‌صوف پافشاری برای رسیدن به خواسته خود، چنین می‌فرماید: «در دعا نیز باید چنین کرد، آن قدر دعا کنید تا جوابتان داده شود. آن قدر بجویید تا بیابید. آن قدر در بنزید تا باز شود؛ زیرا هر که درخواست کند، به دست خواهد آورد. هر که جست‌وجو کند، خواهد یافت و هر که در بنزد، در به رویش باز خواهد شد» (لوقا، ۱۱: ۸-۱۰).

ی. در دعا باید دست و روی به سوی آسمان داشت. در انجیل یوحنا درخت‌صوف دعای عیسی آمده: «پس سنگ را کنار زدند، آنگاه عیسی به آسمان نگاه کرد و گفت: پدر شکر می‌کنم که دعای مرا شنیده‌ای. البته همیشه دعا می‌را می‌شنوی، ولی این را به خاطر مردمی که اینجا هستند گفتم تا ایمان آورند که تو مرا فرستاده‌ای» (یوحنا، ۱۲: ۴۱ - ۴۲).

۲-۳. مکان دعا

در عهد جدید برای دعا مکانی معین نشده است که خاص دعا یا خاص جمع ایمان‌داران برای دعا باشد. عبادتگاه، منازل، شهرها، تپه‌ها، باغ‌ها و... همه مکان‌هایی هستند که می‌توان در آن‌ها دعا کرد. «مکان دعا اهمیت چندانی ندارد، بلکه آنچه اهمیت دارد دعا کردن با همه وجود است. چنان‌که عیسی بی‌شتر اوقات برای دعا به محل دور افتاده در خارج از شهر می‌رفت» (لوقا، ۵: ۱۶) با این حال، در توصیف کارهای رسولان آمده که آنان به طور مرتب برای دعا، به خانه خدا می‌رفتند: «در ضمن، رسولان به طور مرتب برای دعا در خانه خدا، در قسمتی به نام ایوان سلیمان، جمع می‌شدند. ایشان در میان مردم، معجزات زیاد و حیرت‌آوری می‌کردند» (اعمال رسولان، ۵: ۱۲-۱۴).

۳-۳. موضوعات دعا

دعا، بیان خواسته و نیاز انسان است به خداوند. چرا که خداوند برآورنده هر نیازی است. چون غنای خداوند را حدی نیست. دعای انسان، صحبت آن است که خداوند بشنود و اجابت کند. بنابراین، همه چیز می‌تواند موضوع دعا قرار گیرد. در نامه پولس به فیلیپان آمده: «برای هیچ چیز غصه نخورید، در عوض برای همه دعا کنید و هر چه لازم دارید، به خداوند بگویید و فراموش نکنید که برای جواب دعاها، از او تشکر نمایید. اگر چنین کنید، از آرامش خدا بهره‌مند خواهید شد. آرامشی که فکر انسان قادر به درک آن نیست. این آرامش الهی به فکر و دل شما که به عیسی مسیح ایمان آورده‌اید، راحتی و آسایش خواهد بخشید» (فیلیپان، ۴: ۶-۷).

*بعضی از موضوعاتی که برای دعا در عهد جدید وجود دارد، عبارت است از:

الف. دعا برای غلبه بر وسوسه‌ها: در سفارش عیسی به شاگردانش آمده: «آنگاه عیسی همراه شاگردان خود، از آن بالاخانه بیرون آمد و طبق عادت به کوه زیتون رفت. در آنجا

به ایشان گفت: دعا کنید و از خدا بخواهید که مغلوب و سوسه‌ها نشوید» (لوقا، ۲۲: ۳۹ - ۴۰).

ب. دعای عیسی برای شاگردان: عیسی برای پطرس دعا کرد: «اما من برای تو دعا کردم تا ایمانت از بین نرود. پس وقتی توبه کردی و به سوی من بازگشتی، ایهان برادرانت را تقویت و استوار کن» (لوقا، ۲۲: ۳۲) و در دعا برای همه شاگردانش می‌فرماید: «من برای مردم دنیا دعا نمی‌کنم؛ بلکه برای این شاگردان دعا می‌کنم که به دست من سپرده‌ای؛ چون از آن تو هستند. هر چه از آن من باشد، متعلق به تو نیز هست و هر چه از آن تو است، متعلق به من می‌باشد. از این جهت، ایشان باعث افتخار و سربلندی منند. به زودی من این جهان را گذاشته، نزد تو خواهم آمد؛ ولی ایشان همین جا می‌مانند. پس ای پدر مقدس، این شاگردان را که به دست من سپرده‌ای، با توجهات پدرانه‌ات حفظ فرما تا مانند من و تو با هم یکی باشند و هیچ‌یک از ایشان از دست نرود» (یوحنا، ۱۸: ۱۳ - ۱۹).

ج. دعا برای خروج روح پلید: در مرقس آمده که عیسی فرمود: «این روح ناپاک جز با دعا بیرون نمی‌رود» (مرقس، ۹: ۲۹).

د. دعا برای دشمن: عیسی مسیح در خصوص دوست داشتن دشمن و دعا برای ایشان می‌گوید: «اما من می‌گویم که دشمنان خود را دوست بدارید و هر که شما را لعنت کند، برای او دعای برکت کنید. به آنانی که از شما نفرت دارند، نیکی کنید و به آنانی که به شما ناسزا می‌گویند و شما را آزار می‌دهند، دعای خیر نمایید» (متی، ۶: ۴۴).

ح. دعا برای کودکان: «مردم، بچه‌های کوچک را نزد عیسی آورند تا او دست بر سر آنان بگذارد و برای ایشان دعا کند. ولی شاگردان، آن‌ها را برای این کار سرزنش کردند و گفتند: مزاحم نشوید. عیسی فرمود: بگذارید بچه‌های کوچک نزد من آیند و مانع ایشان نشوید. زیرا فقط کسانی که مانند این کوچکان باشند، از برکات ملکوت

خداوند برخوردار خواهند شد. سپس دست بر سر ایشان گذاشت و آنان را برکت داد و از آنجا رفت» (متی، ۱۹: ۱۳ - ۱۵).

و. دعا برای زنده کردن مرده: «ولی پطرس خواست که همه از اتاق بیرون روند. آنگاه زانو زد و دعا نمود. سپس رو به جنازه کرد و گفت: دور کاس، برخیز. آن زن چشمان خود را باز کرد و همین که پطرس را دید، برخاست و نشست. پطرس دستش را گرفت و او را برخیزانید و ایمان دارن و بیوه زنان را خواند و او را زنده به ایشان سپرد» (اعمال رسولان، ۹: ۴۰ - ۴۱).

ز. دعا برای یافتن روح القدس: «وقتی رسولان در اورشلیم شنیدند که اهالی سامره پیغام خدا را قبول کرده اند، پطرس و یوحنا را به آنجا فرستادند. وقتی ایشان به سامره رسیدند، برای تازه ایمانان دعا کردند تا روح القدس را بیابند. زیرا ایشان فقط به نام عیسی خداوند تعمید گرفته بودند و هنوز روح القدس بر هیچ یک از ایشان نازل نشده بود. پس پطرس و یوحنا دست های خود را بر سر این نوایمانان گذاشتند و ایشان نیز روح القدس را یافتند» (اعمال رسولان، ۸: ۱۴ - ۱۷).

ح. دعا برای رهبران و خادمان کلیسا: این موضوع به خصوص در نامه های پولس مشهود است. او از ایمان دارن می خواهد تا او را در ادامه مسیر و تحمل مصیبت ها و رفع نامردمی ها دعا کنند. در نامه های پولس آمده: «ای برادران، در خاتمه خواهش می کنم برای ما دعا کنید. نخست دعا کنید که پیغام خداوند، در هر جا که اعلام می شود، بدون مانع به سرعت پخش شود و باعث نجات مردم گردد؛ همان طور که سبب نجات شما نیز شد. همچنین دعا کنید تا از چنگ مردم بدهکار و خدانشناس رهایی یابیم؛ زیرا همه مردم دوستدار خدا نیستند» (دوم تسالونیکیان، ۳: ۱ - ۳).

غیر از آیه ای که بیان کردیم، آیات فراوان دیگری مانده: (رومیان، ۱۵: ۳۰)، (اول تیموتائوس، ۲: ۱ - ۶)، (دوم قرنیه تان، ۱: ۱)، (فلیمون، ۴ - ۶)، (دوم تیموتائوس، ۱: ۳)، (عبرانیان، ۱۳: ۱۸ - ۲۰) و (فیلیپان، ۲: ۱۹) در خصوص دعای مؤمنان برای رهبران و

مبلغان وجود دارد. در فیلیپان آمده: «زیرا می‌دانم تا زمانی که شما برایم دعا کنید و روح القدس نیز مرا یاری می‌نماید، تمام این امور به نفع من تمام خواهد شد» (فیلیپان، ۲: ۱۹).

ط. دعا برای شفای بیماری: در اعمال رسولان آمده: «... از قضا پدر پولیوس مبتلا به تب و اسهال خونی بود. پولس نزد او رفت و برایش دعا کرد و دست بر سر او گذاشت و شفایش داد» (اعمال رسولان، ۲۸: ۸).

ی. دعای عیسی مسیح برای ایمان‌داران: در انجیل یوحنا آمده: «من فقط برای این شاگردان دعا نمی‌کنم، برای ایمان‌داران آینده نیز دعا می‌کنم که به وسیله شهادت ایشان به من ایمان خواهند آورد. برای تک تک ایشان دعا می‌کنم تا همه با هم یک‌دل و یک‌رأی باشند؛ همان‌طور که ای پدر، من و تو با هم یکی هستیم تا همچنان که تو در منی و من در تو، ایشان نیز با ما یک باشند. تا از این راه مردم جهان ایمان آورند که تو صدا فرستاده‌ای. جلالی را که به من بخشیده‌ای، به ایشان داده‌ام تا آنان نیز مانند ما یکی گردند. من در ایشان و تو در من، تا به این ترتیب ایشان نیز به تمام معنا با هم یکی باشند» (یوحنا، ۱۸: ۲۰ - ۲۴).

رسولان نیز به تبع عیسی مسیح برای ایمان‌داران دعا می‌کردند و در رفع حوائج آنان کوشا بودند. در نامه دوم پطرس آمده: «دعا می‌کنم که رحمت و آرامش در اثر شناخت خدا و خداوندان، عیسی به فراوانی به شما عطا شود» (دوم پطرس، ۱: ۱) و در نامه پولس به رومیان آمده: «خدا شاهد است که من پیوسته برای شما دعا می‌کنم و روز و شب احتیاجاتان را به حضور او می‌برم. به حضور خدایی که با تمام توانم او را خدمت می‌کنم و مژده انجیل او را که درباره فرزندش عیسی مسیح است، به دیگران اعلام می‌نمایم. دعای دیگر من این است که اگر خدا بخواهد، پس از این همه انتظار، سعادت دیدار شما نصیبم شود. زیرا بسیار مشتاق دیدارتان هستم تا بتوانم شما را از برکات خدا برخوردار سازم و باعث تقویت ایمانتان شوم» (رومیان، ۱: ۹ - ۱۱).

علاوه بر آیاتی که آوردیم، آیات فراوانی در نامه‌های پولس یافت می‌شود که بر درخواست از ایمان‌داران برای دعا و نیز دعای رسولان برای ایمان‌داران دلالت دارد. نشانی برخی از آیات عبارت است از: (دوم قرنیتان، ۱۳: ۷-۹)، (افسیان، ۶: ۱۸-۲)، (افسیان، ۶: ۲۳-۲۴)، (فیلیان، ۱: ۹-۱۱)، (کولسیان، ۱: ۳-۴)، (کولسیان، ۱: ۹-۱۴)، (کولسیان، ۲: ۲-۳)، (اول تسالونیکیان، ۳: ۱۰) و (اول تسالونیکیان، ۵: ۲۳-۲۵).

۳-۳. دعا با نام عیسی مسیح

عیسی مسیح در آخرین شب (شام آخر) که به دستگیری و مرگ ایشان منجر شد، به شاگردان خود در خصوص بعد از مرگ خویش می‌فرماید: «در آن موقع دیگر از من چیزی نخواهید خواست، چون می‌توانید مستقیم نزد «پدر» بروید و با بردن اسم من هر چه می‌خواهید، از او دریافت کنید. تا به حال این کار را نکرده‌اید؛ از این پس بکنید. در دعا اسم مرا ببرید و از خدا بخواهید و بگیرید تا شاد شوید و شادی‌تان کامل گردد» (یوحنا، ۱۷: ۲۳-۲۴).

۳-۴. آموزش دعا

دعای خاصی که عیسی، شاگردان خود را ملزم به آن کرده باشد، وجود ندارد؛ ولی در دو مورد شاهد آموزش دعا به شاگردان هستیم. در انجیل لوقا آمده: «روزی عیسی مشغول دعا بود. وقتی دعایش تمام شد، یکی از شاگردان به او گفت: خداوند، همان‌طور که یحیی طرز دعا کردن را به شاگردان خود آموخت، تو نیز به ما بیاموز. عیسی به ایشان گفت که چنین دعا کنند: ای پدر، نام مقدس تو گرامی باد.

ملکوت تو برقرار گردد. نان مورد نیاز ما را روز به روز به ما ارزانی فرما. گناهان ما را ببخش، چنان‌که ما نیز آنانی را که به ما خطا کرده‌اند، می‌بخشیم. ما را از وسوسه‌های شیطان دور نگاهدار» (لوقا، ۱۱: ۱-۱۰).

همچنین در موعظه سر کوه عیسی آمده: «و اما درباره دعا؛ هر گاه دعا می کنی مانند ریاکاران نباش که دو ست دارند در عبادت گاه ها یا در گوشه و کنار خیابان ها نماز بخوانند تا توجه مردم را به خود جلب کنند و خود را مؤمن نشان دهند. مطمئن باش اجری را که باید از خدا بگیری، همین جا از مردم گرفته اند. اما تو هر گاه دعا می کنی، در تنهایی و در خلوت دل پدر آسمانی را عبادت نما و او که کارهای نهان تو را می بیند، به تو پاداش خواهد داد. وقتی دعا می کنی به مانند کسانی که خدای حقیقی را نمی شناسند، وردهای بی معنی تکرار نکنید. ایشان گمان می کنند که با تکرار زیاد، دعایشان مستجاب می شود؛ اما شما این را به یاد داشته باشید که پدرتان قبل از این که از او چیزی بخواهید، کاملاً از نیازهای شما آگاه است. سپس شما این گونه دعا کنید: ای پدر ما که در آسمانی، نام مقدس تو گرامی باد، ملکوت تو برقرار گردد، خواست تو آن چنان که در آسمان مورد اجراست، بر زمین نیز اجرا شود.

نان روزانه ما را امروز نیز به ما ارزانی دار. خطاهای ما را ببامرز. چنان که ما نیز آنان را که به ما بدی کرده اند، می بخشیم. ما را از وسوسه ها دور نگاه دار و از شیطان حفظ فرما؛ زیرا ملکوت و قدرت و جلال تا ابد از آن توست. آمین. پدر آسمانی، شما را به شرطی خواهد بخشید که شما نیز آنانی را که به شما بدی کرده اند، ببخشید» (متی، ۶: ۵-۱۵).

۳-۵. دعای فردی و دعای جمعی

در عهد جدید، بیشترین تلاش بر معرفی دعای فردی، پنهانی و خالصانه است. به طوری که گفته صریحی از عیسی مسیح که دلالت بر دعای جمعی کرده باشد، وجود ندارد و دعای خود ایشان نیز به صورت فردی و شبانه و در کوهستان صورت می پذیرفت. اما از این میان، دعای جمعی را نیز نباید از یاد برد.

دعاهایی که در خانه خدا و منازل ایمان داران و ... انجام می پذیرفت. برای نمونه از هر نوع دعا، آیه ای را به منزله شاهد ذکر می کنیم.

الف) دعای فردی: «در یکی از آن روزها، عیسی برای دعا به کوهستان رفت و تمام شب را به راز و نیاز پرداخت» (لوقا، ۶: ۱۲).

ب) دعای جمعی: «یک روز بعد از ظهر، پطرس و یوحنا به خانه خدا می‌رفتند تا مانند هر روز در مراسم دعای ساعت سه شرکت کنند» (اعمال رسولان، ۳: ۱).

۳-۶. شروط استجاب دعا

هدف از دعا، استجاب آن است و استجاب به شروطی وابسته است که عبارت است از:

الف. ایمان: «شما هر چه در دعا بخواهید، یافت می‌شود؛ به شرطی که ایمان داشته باشید» (متی، ۲۱: ۲۲). «خوب گوش کنید: اگر ایمان داشته باشید، هر چه در دعا بخواهید، خدا به شما خواهد داد» (مرقس، ۱۱: ۲۴).

ب. نیکوکاری: «خداوند نسبت به نیکوکاران نظر لطف دارد و به دعای ایشان گوش می‌دهد، اما از بدکاران روگردان است» (اول پطرس، ۳: ۱۲).

ج. پاکی و در ستکاری: در انجیل یوحنا آمده: «همه می‌دانند که خدا به دعای اشخاص شیاد گوش نمی‌دهد؛ بلکه دعای کسی را می‌شنود که خداپرست باشد و اراده او را انجام دهد» (یوحنا، ۱۰: ۳۱).

د. یقین به خداوند: در دعا باید یقین داشته باشیم که خداوند دعای ما را می‌شنود و استجاب می‌کند. پس هیچ نوع شکمی مقبول نیست و موجب مستجاب نشدن دعا می‌شود. در نامه یوحنا آمده: «از این رو خاطر جمع هستم که هرگاه از خدا چیزی مطابق خواست او بطلبیم، دعای ما را خواهد شنید و اگر یقین داریم که دعای ما را می‌شنود، می‌توانیم به این هم اطمینان داشته باشیم که آنچه از او بخواهیم، به ما عطا خواهد کرد. اگر می‌بینید که برادر شما مرتکب گناهی می‌شود که منتهی به مرگ نیست، از خدا بخواهید که او را

ببخشد و خدا نیز به او حیات جاوید عطا خواهد کرد. به این شرط که گناهی منت‌هی به مرگ نباشد. زیرا گناهی هست که به مرگ منجر می‌شود و نمی‌گوییم که برای آن دعا کنید. البته هر کار نادرست، گناه است؛ اما گناهی هست که منت‌هی به مرگ نمی‌شود» (اول یوحنا، ۵: ۱۴ - ۱۷).

۴. دعا در قرآن

دعا، سؤال و درخواست بندگان از خداوند قادر برای رفع حاجت و نیاز مادی یا معنوی است. خداوند تضمین کرده که در صورت خواندن بنده، او را اجابت می‌کند: **(وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ)**؛ و پروردگارتان فرمود: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم. درحقیقت، کسانی که از پرستش من کبر می‌ورزند، به‌زودی خوار در دوزخ می‌آیند» (غافر / ۶۰).

در قرآن، ارزش انسان با دعا تعیین شده است؛ یعنی اگر دعای انسان نیا شد، شاید ستم‌توجه خداوند نیست. در سوره فرقان آمده: **(قُلْ مَا يَعْبَأُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا)**؛ بگو: اگر دعای شما نباشد، پروردگرم هیچ اعتنایی به شما نمی‌کند. درحقیقت شما به تکذیب پرداخته‌اید و به‌زودی [عذاب بر شما] لازم خواهد شد» (فرقان / ۷۷).

از آنجایی که دعا درخواست ضعیف و ناتوان از قادر متعال است، بنابراین باید با حالت تضرع و زاری و با نهایت احترام صورت پذیرد. در سوره اعراف آمده: **(ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ)**؛ پروردگار خود را به زاری و نهانی بخوانید که او از حد‌گذرندگان را دوست ندارد» (اعراف / ۵۵).

در علم وجوه قرآن ۵ وجه برای دعا ذکر شده که شامل استعانت، سؤال و درخواست، عبادت، ندا و قول است. قلمرو این تحقیق وجه دعا به معنای سؤال و درخواست می‌باشد (ر.ک؛ حمیری نیشابوری، ۱۳۸۰: ۲۴۵). مجموع دعاهای مستقیم قرآن در ۱۰۴ آیه گرد

آمده که جمعاً ۱۵۹ خواسته را از سوی نیایش گر مطرح می کنند. مجموع دعا های قرآن ۸۲ موضوع را در بر می گیرد که با احتساب تکرار بعضی از آن ها، به ۱۵۹ دعا می رسد (ر.ک؛ باقری فر، ۱۳۸۴: ۹). از میان مجموعه اسماء حسنی و صفات علیای خداوندی بیشترین خطاب در دعاها متوجه «رب» (پروردگار) است. در دو دعا (آیه ششم سوره مبارکه حمد و آیه چهاردهم سوره مبارکه اعراف) از کلمه منادا استفاده نشده است. در دو دعا نام مقدس «الله» مخاطب قرار گرفته (آیه ۳۲ سوره مبارکه انفال). در یک دعا، از منادای «الله» و «رب» به طور توأمان استفاده شده است (آیه ۱۱۴ سوره مبارکه مائده) و بقیه دعاها با منادای «رب» همراه است (ر.ک؛ باقری فر، ۱۳۸۴: ۱۰).

۴-۱. فطری بودن دعا

در آیات مختلف به فطری بودن دعا اشاره شده است. مخصوصاً هنگامی که انسان در سختی و مشکلات گرفتار می شود، از خداوند استمداد می طلبد: (وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا)؛ چون انسان را آسیبی رسد، ما را به پهلو خوابیده یا نشسته یا ایستاده، می خواند. این مضمون در آیاتی چون (یونس / ۱۲) و (روم / ۳۳) و (فصلت / ۵۱) نیز آمده است.

۴-۲. انگیزه دعا

هر نیازی می تواند موضوع دعا باشد. رهایی از مرگ، نجات از فقر، توفیق عبادت و هر خواسته دیگر. در ادامه به برخی از این انگیزه ها اشاره می کنیم:

الف. شکر نعمت: (فَتَبَسَّمْ ضَاحِكًا مِّنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ)؛ [سلیمان] از گفتار او دهان به خنده گشود و گفت: پروردگارا، در دلم افکن تا نعمتی را که به من و پدر و مادرم ارزانی داشته ای، سپاس بگذارم و به کار شایسته ای که

آن را می‌پسندی، پردازم و مرا به رحمت خویش در میان بندگان شایسته‌ات داخل کن» (نمل / ۱۹).

ب. توفیق عبادت: (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ) (ابراهیم / ۳۹ تا ۴۱).

ج. اعطای حکمت و دخول در صالحان: (رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ وَأَغْفِرْ لِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الصَّالِحِينَ وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ)؛ پروردگارا، به من دانش عطا کن و مرا به صالحان ملحق فرمای و برای من در [میان] آیندگان آوازه نیکو گذار. مرا از وارثان بهشت پر نعمت گردان و بر پدرم ببخشای که او از گمراهان بود و روزی که [مردم] برانگیخته می‌شوند، رسوایم مکن» (شعراء / ۸۳ تا ۸۷).

د. طلب مغفرت: (قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ)؛ گفت: پروردگارا، من بر خویشتم ستم کردم. مرا ببخش؛ پس خدا از او درگذشت که وی آمرزنده مهربان است. [موسی] گفت: پروردگارا، به [پاس] نعمتی که بر من ارزانی داشتی، هرگز پشتیبان مجرمان نخواهم بود» (قصص / ۱۶ و ۱۷).

همچنین در سوره مؤمنون نیز آمده: (إِنَّهُ كَانَ قَرِيقًا مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سُخْرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ قَالَ كَيْفَ لَيْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدُ سِنِينَ قَالُوا لَيْتُنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَسئَلُ الْعَادِيْنَ قَالَ إِنْ لَيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَّوْ أَنكُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ أ فَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنْكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ) (مؤمنون / ۱۰۹ تا ۱۱۸).

۳-۴. استجاب دعا

خداوند بندگان خود را به دعا امر فرموده و بشارت به اجابت آن نیز داده است. سوره بقره در خصوص دعا و استجاب آن می‌فرماید: (وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ) و هرگاه بندگان من از تو درباره من بپرسند، [بگو] من نزدیکم، دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا بخواند، اجابت می‌کنم. پس [آنان] باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند، باشد که راه یابند» (بقره/ ۱۸۶).

همچنین در سوره نمل آمده: (أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ) (نمل/ ۶۲) و در سوره مؤمن آمده: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الْمَدِينَةَ لَمُنَّاسِكُمْ أُولُوا الْعِبَادَةِ أُولُوا الْعِبَادَةِ أُولُوا الْعِبَادَةِ أُولُوا الْعِبَادَةِ» (مؤمن/ ۶۰). «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»؛ یعنی زمانی که مصلحت اقتضاء کند، خداوند شما را اجابت می‌کند. پس ناچار در این جمله باید لفظاً و ضمناً (مصلحت) را شرط قرار داد، و الا نادرست خواهد بود؛ زیرا بسیار شود که به مفسده‌ای بخوانند و اجابت آن قبیح باشد؛ و لمی شرط عدم مفسده، لازم نمی‌باشد. یعنی خوار و ذلیل باشند: «سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ». در این آیه بر عظمت قدر دعا نزد خداوند و فضیلت انضاع به سوی خداوند دلالت شده است (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۸۰: ج ۲۱، ۲۹۰).

از آیه فوق چند نکته استفاده می‌شود: الف. دعا کردن محبوب الهی و خواست اوست. ب. بعد از دعا، وعده اجابت داده شده است؛ و لمی می‌دانیم این وعده و وعده‌ای است مشروط و نه مطلق. دعایی به هدف اجابت می‌رسد که شرایط لازم در دعا و دعاکننده و مطلبی که مورد تقاضا است، جمع باشد. ج. دعا، خود، نوعی عبادت است؛ چرا که در ذیل آیه، واژه عبادت به آن اطلاق شده و در ذیل آیه تهدید شدیدی نسبت به کسانی که از دعا کردن ابا دارند، کرده است (ر.ک؛ مکارم، ۱۳۷۴: ج ۲۰، ۱۴۶).

قرآن نمونه‌های استجاب دعا را بیان کرده است. برای نمونه در سوره انبیاء در خصوص استجاب دعای ابراهیم آمده: (فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَآٰصَلْحٰنَا لَهُ زَوْجَهُ اِنَّهُمْ كَانُوْا يُسَارِعُوْنَ فِى الْخَيْرٰتِ وَيَدْعُوْنَآ رَغْبًا وَرَهْبًا وَاٰنَا لَنَا خَٰشِعِيْنَ)؛ پس [دعای] او را اجابت نمودیم و یحیی را بدو بخشیدیم و هم سرش را برای او شایسته [و آماده حمل] کردیم؛ زیرا آنان در کارهای نیک شتاب می‌نمودند و ما را از روی رغبت و بیم می‌خواندند و در برابر ما فروتن بودند» (انبیاء/۹۰).

در داستان یوسف نیز آمده: (قَالَ رَبِّ السِّجْنُ اَحَبُّ اِلَىَّ مِمَّا يَدْعُوْنِىْ اِلَيْهِ وَاِلَّا تَصْرِفْ عَنِّى كَيْدَهُنَّ اَصْبُ اِلَيْهِنَّ وَاَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِيْنَ فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ اِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيْمُ)؛ [یوسف] گفت: پروردگارا، زندان برای من دوست‌داشتنی‌تر است از آنچه مرا به آن می‌خوانند و اگر نیرنگ آنان را از من باز نگردانی، به سوی آنان خواهم گریزید و از [جمله] نادانان خواهم شد. پس پروردگارش [دعای] او را اجابت کرد و نیرنگ زنان را از او بگردانید. آری او شنوای داناست» (یوسف/۳۴ - ۳۵).

بحث و نتیجه‌گیری

آئین یهود، آئین نیایش و دعا است و نیایش خود را ارثی از حضرت ابراهیم می‌داند. دعا در عهد قدیم به منزله تنها نیایش زبانی مطرح است و بعد از زمان‌های طولانی تفیلاً از دعا مشتق می‌شود. دایره دعا در عهد قدیم وسیع بوده و شامل نماز (تفیلاً) و راز و نیاز و هر نوع سخن با خداوند و ستایش خداوند است. در عهد جدید همه تعالیم، عبادات، حیات و... به مسیح ختم می‌شوند و هیچ سخنی یافت نمی‌شود که مفسران آن را به مسیح مرتبط نکنند. عبادت، همان ایمان به مسیح است. کلیسا، بدن مسیح است. ایمان‌داران، شریک در مسیح هستند. حیات و زندگی، عطیه مسیح و بخشش گناه به مسیح است. صاحب‌اختیار روز داوری مسیح است و بالاخره اینکه همه چیز در عیسی مسیح خلاصه می‌شود. از مصادیق عبادت، دعا، بیشترین جایگاه را در عهد جدید به خود اختصاص داده است، به حدی که می‌توان عبادت عهد جدید را در دعا خلاصه کرد. در عهد جدید،

از نیایش به معنای رایج کلمه، یعنی آداب و رسوم و اعمال عبادی که در عهد قدیم یا دیگر منابع یافت می‌شود، خبری نیست و عبادت در ایمان به مسیح و محبت خلاصه می‌شود. احکامی که در دین یهود و در عهد قدیم اصرار بر آن بود، از طرف رسولان (و بعضاً از طرف مسیح) باطل یا منسوخ اعلام شد و ایمان‌داران از قید عبادت و احکام آزاد شدند. در قرآن، دعا یکی از مصادیق عبادت است و اهمیت بسیاری دارد؛ اهمیت دعا به حدی است که در قرآن، ارزش انسان با دعا تعیین شده است و اگر دعای انسان نباشد، شایسته توجه خداوند نیست. دعا در قرآن فطری انسان است. لذا هر نیاز فطری می‌تواند موضوع دعای انسان باشد.

منابع

- قرآن. ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- کتاب مقدس (عهدین). ترجمه تفسیری انجمن کتاب مقدس.
- ابن فارس. (بی تا). *معجم مقاییس اللغة*. تحقیق عبد السلام محمد بن هارون. دارالکتب العلمیه قم.
- ابن منظور اندلسی. (بی تا). *لسان العرب*. بیروت: دارصادر.
- باقری فر، علی. (۱۳۸۴). *پژوهشی در نیایش های قرآن کریم*. چاپ دوم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. سازمان چاپ و انتشارات.
- الجوهری. اسماعیل بن حماد (بی تا) *تاج اللغة و صحاح العربیه الجوهری*. مصر: دارالکتب العربی.
- حمیری نیشابوری. (۱۳۸۰). *وجود القرآن*. تحقیق نجف عرشی. الطبعة الاولى. مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). *المفردات فی غریب القرآن*. چاپ اول. بیروت: دار القلم.

طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۶۳). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. چاپ سوم. قم: انتشارات الهدی.

طبرسی، امین‌الاسلام فضل. (۱۳۸۰). *مجمع البیان*. ترجمه علی کرمی. تهران: فراهانی.

قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. چاپ ششم. تهران: دارالکتب اسلامیہ.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. چاپ اول. تهران: دارالکتب اسلامیہ.

هاکس، جیمز. (۱۳۷۷). *قاموس کتاب مقدس*. چاپ اول. تهران: اساطیر.

The Oxford Dictionary of World Religions. Oxford University Press, 1997.

Xabier pikaza ,Abdolmumin Aya .(2009). *Diccionario de las tres religiones*– espana – verbodivino.

پی نوشت‌ها

1. Berakhot
2. Hitpallel

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی